

## بررسی شاخص‌های دولت دینی از منظر امام خمینی (ره) با تأکید بر اصل عدالت و برابری

دکتر رحمت‌اله مرزوقی<sup>۱</sup>

مرضیه مروتی<sup>۲</sup>

محمدجواد مروتی<sup>۳</sup>

«هو الذی لقد ارسل بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون»  
(التوبه، آیه ۳۳)

### چکیده

با ظهور دولت فروزنده انقلاب اسلامی و حیات سیاسی برگرفته از آن، رهیافتی نو در اندیشه و عمل مسلمانان آغاز گشت که دربردارنده بازگشتی جدید به شناخت اسلامی و عقلانیت و سیاست دینی است. مظهری از عنوان مهم دولت دینی که تحقق کامل آن در آینده‌ای روشن به دست بزرگی از نسل پاکان به ظهور خواهد رسید. در پژوهش حاضر، شاخص‌های دولت دینی از منظر امام خمینی (ره)، مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر، به صورت نظری و با روش تحلیل محتوا انجام شده است. همچنین، جهت گردآوری داده‌ها، بیانات ارزشمند رهبر فقید انقلاب اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)، حکومت قانون الهی است. ایشان، الهی بودن، استقلال، عدم وابستگی، آزادی، مردمی بودن و عدالت را مهم‌ترین شاخص‌های دولت دینی دانسته و با تأکید بر اصل عدالت و برابری - به عنوان والاترین آرمان انسانی - به احیاء تفکر عدالت‌خواهی، محرومیت‌زدایی و حمایت از مستضعفان پرداخته‌اند. عدم پذیرش شکاف شدید طبقاتی و توجه به محرومین و مستضعفین به عنوان محورهای اساسی در اندیشه‌های معمار کبیر انقلاب اسلامی - حضرت امام خمینی (ره) - در زمینه عدالت می‌تواند مبنایی برای تدوین منطقی و منسجم یک نظریه عدالت را فراهم آورد. نظریه‌ای که در هر صورت متمایز از انواع غربی و شرقی آن است و می‌تواند جایگاه خاص خود را در بین نظریه‌های عدالت مشخص سازد و مهمتر این‌که مبنای حرکت، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: امام خمینی، شاخص‌های دولت دینی، اندیشه سیاسی، عدالت، حکومت اسلامی

### مقدمه

دولت از هر منظر و دیدگاهی، خواه به عنوان مجموعه‌ای از عمل و نظام اجتماعی کارآمد و یا به عنوان وسیله‌ای برای برپا نمودن حکومت و ابزاری برای کارآمدی نظام اجتماعی، بخشی گسترده از حکمت عملی را

<sup>۱</sup>. عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی و معاونت آموزشی دانشگاه شیراز؛ rmarzoghi@rose.shirazu.ac.ir

<sup>۲</sup>. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شیراز؛ morovatim@yahoo.com

<sup>۳</sup>. دانشجوی مهندسی کامپیوتر دانشگاه شیراز؛ morovati@cse.shirazu.ac.ir

می‌نمایاند. با ظهور دولت فروزنده انقلاب اسلامی و حیات سیاسی برگرفته از آن رهیافتی نو در اندیشه و عمل مسلمانان آغاز گشته که دربردارنده بازگشتی جدید به شناخت اسلامی و عقلانیت و سیاست دینی است؛ مظهری از عنوان مهم دولت دینی که تحقق کامل آن در آینده روشن به دست بزرگی از نسل پاکان به ظهور خواهد رسید. با توجه به جامعیت علمی و اصالت نظرات معمار کبیر انقلاب اسلامی، در این مقاله تلاش شده است که شاخص‌های دولت دینی از دیدگاه امام خمینی (ره)، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. گرچه مسلماً آنچه در این نوشتار کوتاه بحث می‌گردد، دربرگیرنده همه ابعاد گسترده موضوع نمی‌باشد.

### بیان مسئله

چالش‌ها و مسائل مختلفی وجود دارند که دولت دینی با آن‌ها روبرو است. علی‌رغم اهمیت شاخص‌های دینی در استمرار حیات سیاسی و کارآمدی نظام اجتماعی، شاخص‌ها و مؤلفه‌های دولت دینی آن‌گونه که انتظار می‌رود، در نظام حکومتی مورد تبیین و توجه قرار نگرفته و از جایگاه شایسته‌ای برخوردار نمی‌باشد. برقراری دولت دینی به معنای واقعی، نیاز به توجه جدی همه اقشار به‌ویژه نخبگان جامعه دارد. آنچه این روند را توسعه می‌بخشد، آگاهی، شناخت، درک صحیح و داشتن تصویری روشن از مبانی و شاخص‌های دولت دینی است. با توجه به تأکیدات بنیانگذار جمهوری اسلامی، تبیین و تشریح مبانی دولت دینی و شاخص‌های دولت اسلامی، امری ضروری است که می‌تواند کاستی‌ها و نواقص موجود را مرتفع نماید و دولتمردان، مسئولان نظام اسلامی را در راستای کارآمدتر نمودن نظام اجتماعی - سیاسی و توسعه پایدار ایران اسلامی در همه عرصه‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... به معنای واقعی یاری رساند. بنابراین، با توجه به اهمیت شاخص‌های دولت دینی و نقش آن‌ها در اعتلای همه جانبه کشور و با در نظر گرفتن این مسئله که دولت دینی دارای خاستگاه الهی است، این سؤال مطرح می‌شود که به راستی شاخص‌های اساسی دولت اسلامی به معنای واقعی کدامند و آیا راهکارهایی برای اعمال این شاخص‌ها وجود دارد؟

### اهداف پژوهش

هدف کلی پژوهش، بررسی شاخص‌های دولت دینی از دیدگاه امام خمینی (ره) است. بررسی مبانی دولت اسلامی و راهکارهای تحقق دولت دینی به معنای واقعی از منظر بنیانگذار انقلاب اسلامی نیز، از اهداف دیگر این پژوهش می‌باشد.

### سؤالات پژوهش

پژوهش حاضر درصدد است تا در راستای اهداف ذکر شده، به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. دولت دینی از دیدگاه امام خمینی دارای چه ویژگی‌هایی است؟
۲. الهی بودن دولت دینی، از دیدگاه امام خمینی (ره)، از چه جایگاهی برخوردار می‌باشد؟
۳. استقلال دولت دینی، از دیدگاه امام خمینی (ره) از چه جایگاهی برخوردار می‌باشد؟
۴. آزادی در دولت دینی، از دیدگاه امام خمینی (ره) از چه جایگاهی برخوردار می‌باشد؟

۵. مردمی بودن در دولت دینی، از دیدگاه امام خمینی از چه جایگاهی برخوردار می‌باشد؟
۶. جایگاه عدالت در دولت دینی، از دیدگاه امام خمینی (ره) از چه جایگاهی برخوردار می‌باشد؟
۷. راهکارهای عملی ایجاد و برقراری اصل عدالت و برابری، از دیدگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی کدامند؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر به صورت نظری و با روش تحلیل محتوا، انجام گرفته است. برای گردآوری داده‌ها، بیانات ارزشمند رهبر فقید انقلاب اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته است.

### یافته‌های پژوهش

#### امام خمینی و دولت دینی: مفاهیم

دولت عبارت است از ساخت قدرتی که در سرزمین معین بر مردمانی معین تسلط پایدار دارد؛ از نظر داخلی نگهبان نظم به شمار می‌آید و از نظر خارجی پاسدار تمامیت سرزمین و منافع ملت و یکایک شهروندان خویش به شمار می‌آید. این ساخت قدرت، به صورت نهادها و سازمان‌های اداری، سیاسی، قضائی و نظامی فعلیت می‌یابد (آشوری، ۱۳۷۳، ص ۱۶۲). مفهوم فلسفی - سیاسی دولت متأثر از خاستگاه آن است. در اسلام، قدرت دولت نیز ناشی از خداوند است و اصولاً به موضوع اصلی «حکومت الهی و حکومت اسلامی» باز می‌گردد. فلسفه سیاسی اسلام در مورد دولت بر اصول زیر استوار است:

۱. نفی حکومت مادی
۲. جهانی بودن حکومت اسلام
۳. وحدت دینی و عقلانیت
۴. ولایت
۵. عدالت
۶. ایجاد امت اسلامی بر اساس وحدت ابناء بشر، در برابر ملیت و ملیت‌گرایی
۷. مردمی بودن حکومت (علی‌بابائی، ۱۳۸۲)

امام خمینی (ره) با اعتقاد به این‌که اسلام نمونه ایده‌آل برنامه زندگی حکومتی است، می‌فرماید: «حکومت اسلام، حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون، فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی، حکومت تام دارد. همه افراد از رسول اکرم (ص) گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد تا ابد تابع قانون هستند. همان قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم (ص) بیان شده است» (امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۴۴-۴۵). ایشان همچنین می‌فرمایند: حکومت اسلامی، نه استبدادی است و نه مطلقه. حاکمان در اجرا و اداره، مقید

به یک مجموعه شروط هستند که در قرآن و سنت رسول اکرم (ص)، معین گشته است. از این جهت حکومت اسلامی، حکومت قانون الهی بر مردم است (همان، ص ۴۳-۴۴).

## امام خمینی و دولت دینی : شاخص‌ها

### ۱. الهی بودن دولت

حکومت‌های منبعث از هواها، امیال و قدرت‌طلبی‌های فردی و گروهی و طبقاتی، غالباً هدفی جز کسب منافع شخصی و حکومت بر محرومان و مستضعفان نداشته‌اند و با شکستن قدرت‌ها و شخصیت‌های مخالف، میدان جولان امیال نفسانی خود را وسیع‌تر ساخته تا بتوانند سیر انحطاطی و آلوده به فساد خود را ادامه دهند. اهداف این حکومت‌های غیر الهی همگی زائیده فکر انسانی بوده که با شهوات و تخیلات آمیخته شده است، و لذا سازمان‌های حکومتی که بر این خطوط عملی و فکری مبتنی بوده‌اند، نه قادر به انتخاب راه صحیح و صواب و نه قادر به وصول به واقعیات و اعمال عدل بوده‌اند (موسوی خلخالی، ۱۳۶۱، ص ۸).

با وجود مشخصه‌های حکومت‌های غیر الهی، تنها امید واقعی به حکومت‌های الهی است. حکومت‌های منبعث و موقوف بر فرمان و احکام الهی که پیامبران سازمان‌دهنده آن بودند و وجود مبارک رسول اکرم (ص) با تقدیر الهی حکومت حقیقی الهی را پی‌ریزی نمود و بدین ترتیب رهبری مزدوج الهی - سیاسی تحقق پذیرفت. به تعبیر امام خمینی (ره)، اسلام تنها کفیل سعادت همه جانبه بشر و هادی سبل خیر و آخرت و حافظ استقلال آزادی ملت‌ها و مربی نفوس و مکمل نقیصه‌های نفسانی و روحانی و راهنمای زندگی انسان است (خالقی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۴).

اسلام، اصیل‌ترین معیار نقد و انتخاب امام خمینی (ره) در قبال پدیده‌های تمدنی جدید و اصولاً هر موضوع دیگری است: «اسلام همه چیز است» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۸۶-۲۸۷). ایشان با صراحت اعلام می‌نمایند: «حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است» (همان، ج ۲۱، ص ۴۰۳) و می‌فرمایند:

«نظر ما که ملت هم با آن موافق است این است که... یک جمهوری اسلامی... در ایران مستقر بشود و احکام اسلام آن‌طور که هست اجرا گردد و همه مطالب ایران و نظام آن بر طبق خواسته‌های اسلامی جریان پیدا کند» (همان، ج ۴، ص ۴۵۵).

امام خمینی (ره) مکتب اسلامی را مقصد و خواسته اصلی مسلمانان بر شمرده و می‌فرمایند: «مکتب بزرگترین چیزی است که از برای ما مطرح است. نباید راجع به مکتب، یک کلمه‌ای کسی بگوید. اشتباه می‌کنند اگر می‌گویند مکتب چطور. تمام مقصد ما مکتب ماست» (همان، ج ۱۳، ص ۷۶).

### ۲. استقلال و عدم وابستگی

اسلام، تحت سلطه بودن مسلمانان را نفی می‌کند. با توجه به سابقه تاریخی رابطه سلطه‌جویانه غرب با کشور ما، امام خمینی همواره با حفظ حساسیت خاص نسبت به خدشه‌دار شدن استقلال به غرب نگاه کرده است. ایشان این نکته را با صراحت بیان کرده است: «ما مثل مارگزیده‌ای که از ریسمان سفید و

سیاه می‌ترسد، هستیم. ما مارگزیده هستیم! ما از غرب بد دیده‌ایم؛ تباه کردند ما را اینها؛ ... ما ناراحت می‌شویم از اینکه خیال بشود که اسلام ندارد چیزی؛ تهی است از دمکراتیک به اصطلاح شما، از دمکراسی به اصطلاح شما. بهترش را دارد. ما وقتی اسلام را گفتیم، همه چیز توی آن هست. آنی که ما می‌خواهیم هست توی آن، آنی که ملت می‌خواهد هست توی آن.» (همان، ج ۱۰، ص ۴۴).

ایشان بر نفی هرگونه وابستگی تأکید می‌نمایند: «بنیاد دیگر اسلام، اصل استقلال ملی است. قوانین اسلام تصریح دارند که هیچ ملتی و هیچ شخصی حق مداخله در امور کشور ما را ندارد» (همان، ج ۴، ص ۲۴۲-۲۴۳) و می‌فرمایند: «از اصول مهم است که مسلمین نباید تحت سلطه کفار باشند. خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار، سلطه بر مسلمین قرار نداده است و نباید مسلمین این سلطه کفار را قبول بکنند. این از اصولی [می‌باشد] که از امور سیاسی است و قرآن کریم طرح کرده است و مسلمین را به آن دعوت کرده است» (همان، ج ۱۶، ص ۳۴-۳۵).

رهبر فقید انقلاب اسلامی، اتکال به خدای متعال را شرط استقلال واقعی دانسته و می‌فرماید: «باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست‌بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه‌های شیطانی، شما را به سوی این چپ‌ولگران بین‌المللی نکشند و با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی‌ها قیام کنید، و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و آمریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد... و چشم‌داشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد و آنچه انسان‌های شبیه به اینان به آن رسیده‌اند، شما هم خواهید رسید. به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکاء به نفس و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب» (همان، ج ۲۱، ص ۴۱۷).

### ۳. آزادی

امام خمینی ضمن پذیرش آزادی، از آزادی به ویژه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی که لازمه مردمی بودن حکومت می‌باشد، جانبداری و حمایت می‌نماید؛ لیکن انتقاد خود را به آزادی از نوع غربی که طبق نظر ایشان با بی‌بند و باری، فساد و فحشا توأم است، ابراز می‌دارد و آن را با ملاک و معیار قرار دادن «تعالیم و احکام» اسلام، رد می‌کند. امام، آزادی مورد نظر خویش را در چارچوب مصالح جامعه و تعالیم اسلام و قوانین جامعه - که خود قوانین مبتنی بر اسلام، نیازها و مصالح جامعه هستند - مطلوب می‌داند و بین آزادی، توطئه و تخریب جامعه تفاوت قائل می‌شود و توطئه، فساد، خرابکاری، فحشا، بی‌بند و باری و محرمات دینی را ممنوع می‌داند. ایشان نسبت به شاخص‌های آزادی، نظیر وجود مطبوعات و رسانه‌های گروهی، احزاب، انتقاد و... نیز با معیارهای «مصلح جامعه» و «تعالیم اسلام» برخورد نموده، آن‌ها را در چارچوب رعایت دو معیار مذکور مورد حمایت و پذیرش قرار می‌دهند و چنین آزادی را «یک نعمت بزرگ الهی» دانسته (امام خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۱) و می‌فرمایند: «یک کسی در همان زمان‌های سابق به یک ظریفی که از آشناهای ماست راجع به امور جنسی گفته بود که فلانی، این حل شده، او گفته بود این را در صدر خلقت، خرها حل کرده بودند. آن آزادی

که شما می‌گویید که حل شده، همان است که حیوانات در صدر خلقت آزاد بودند. انبیا آمدند این آزادی را جلویش را بگیرند و اصلش را مخالف نیستند، دعوت هم به آن کرده‌اند. این دعوت به ازدواج، این قدر تعریف از ازدواج، برای این که هم ازدواج بشود، هم انحراف نباشد، از این شهوات مطلق از این مراکز فساد و فحشا، انبیا جلوگیری می‌کنند. نه از اصل شهوت، اصل شهوت طبیعی است و باید هم کار خودش را انجام بدهد اما حدود دارد» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۱۷).

از نظر امام، اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی ویژه خود آزاد هستند: «تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند» (همان، ج ۴، ص ۴۴۱).

#### ۴. مردمی بودن: تعهد، اطاعت، نظارت

حکومت اسلامی عبارت است از «حکومت خدا، به وسیله مردم و برای خدا» (علی‌بابایی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۹). در نظام اسلامی همه مردم موظفند که بر امور جامعه اسلامی نظارت داشته باشند، چرا که آگاهی مردم، مشارکت، نظارت و همگامی آن‌ها با حکومت منتخب خویش، بزرگترین ضمانت حفظ امنیت جامعه است. دولت اسلامی، دولتی فرادموکراتیک است. نقض‌های دموکراسی را ندارد و فراتر از آن است. حقوق مردم در این دولت مانند اندیشه‌های برخاسته از دموکراسی نیست که به دلخواه آنها، دولت قانون وضع نماید؛ بلکه به گونه‌ای است مردم با عامل هدایت، اصالت‌های این دولت و حکومت را ادراک می‌کنند و با آگاهی از آن تبعیت می‌نمایند و بر آن نظارت دارند. الگوی اصلی در این دولت، اراده الهی است و مردم این اراده را صمیمانه اعمال می‌کنند (نوایی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹). از منظر امام خمینی، حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش از ضرورت‌های نظام جمهوری اسلامی است: جمهوری اسلامی یعنی این که رژیم به احکام اسلامی و به خواست مردم عمل کند (صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۸۱). نقش مردم از دیدگاه امام تا حدی است که ایشان کل ارکان اجرایی و حکومتی را از یک سو و مردم را از سوی دیگر در جهت تعامل و تعادل و در راستای یکدیگر قرار می‌دهند. ایشان به نقش محوری مردم در شکل‌گیری حکومت تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: «از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد» (همان، ج ۴، ص ۳۶۷).

امام از اراده و حضور مردم به عنوان عامل اساسی در مشروعیت مردمی حکومت یاد می‌نمایند و بر این اساس هرگونه دیکتاتوری را برخلاف اسلام تلقی و آن را رد می‌کنند. بدین جهت است که ایشان، در پاسخ به مخالفت خود با سلطنت مشروطه و شاه چنین بیان می‌دارند: «اراده ملت، نقشی در روی کار آمدن شاه نداشته است. بنابراین سلطنت وی از اساس غیرقانونی است و از مشروعیت برخوردار نیست» (همان، ج ۵، ص ۱۷۳).

ایشان با اعتقاد به نبوغ سیاسی و معرفتی مردم اعلام می‌فرماید: «در ایران اسلامی، مردم تصمیم‌گیران نهایی تمامی مسائل‌اند.» (همان، ج ۱۶، ص ۲۶۶) و در جای دیگر با عنایت به تجلی خواسته‌های مردم در شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی می‌فرماید: «سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی، و استقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنیم» (همان، ج ۴، ص ۳۶۴).

این‌ها که فریاد می‌کردند و می‌نوشتند که خوب دیگر اسلام را می‌خواهد چه کند؟ خوب بگویید جمهوری، خوب به جای اسلام بگذارید دموکراتیک، جمهوری دموکراتیک، از اسلام می‌ترسیدند. این‌ها نمی‌فهمند که این همه دموکراسی که در عالم معروف است کجاست؟ کدام مملکت را شما دارید؟ این ابرقدرت‌ها کدام یکی‌شان به موازین عمل کرده‌اند؟ یک دموکراسی که در هر جایی یک معنا دارد، در شوروی یک معنا دارد، در آمریکا یک معنا دیگر دارد، پیش ارسطو یک معنایی دارد، حالا یک معنای دیگر دارد. ما می‌گوییم یک چیزی که مجهول است و هر جا یک معنا از آن می‌کنند، نمی‌توانیم آن را در قانون اساسی مان بگذاریم که بعد هر کس دلش می‌خواهد آن جوری درست کند. ما می‌گوییم اسلام (همان، ج ۱۰، ص ۵۲۶).

امام خمینی با پذیرش عنصر اصلی و کلیدی دموکراسی یعنی اتکای به مردم (اکثریت)، همراه با التزام عملی حکومت به دیانت اسلام، الگوی جدیدی از یک «نظم» سیاسی ارائه دادند. نظمی سیاسی که هم به آرای مردم متکی است و هم مبنای عمل، مقررات، قوانین، جهت‌گیری‌ها و اهداف آن اسلام است. از مجموعه رهنمودهای ایشان چنین استنباط می‌گردد که پس از اتکا و اتکال به خدا، محور اصلی و نقش‌آفرین در پیروزی انقلاب و شکل‌گیری حکومت اسلامی در ایران، حضور و پشتیبانی مردم بوده است، که امام همواره بر آن تأکید داشته است.

## ۵. عدالت

### ۱- ۵ احیاء تفکر عدالت‌خواهی و برقراری عدالت در جامعه

عدالت، مساوات و احقاق حقوق انسانی از موضوعاتی است که از دیرباز مورد توجه فراوان ادیان، فلاسفه و اندیشه‌ورزان بشری بوده است. این موضوع آن‌چنان مورد عنایت دین مبین اسلام است که هیچ آیین و مکتبی به این اندازه به آن نپرداخته و برای عدالت، ارزش و اهمیت قائل نشده است. تحقق عدالت و استیفای کامل حقوق همگان، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مبانی و پایه‌های تأمین کرامت‌ها و ارزش‌های الهی و انسانی به شمار می‌رود. براساس آموزه‌های دین اسلام، عدالت، ابعاد وسیعی شامل رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خود و رابطه انسان با دیگران را در بر می‌گیرد. آنچه مربوط به حکومت می‌شود و در حیطه کار دولت قرار می‌گیرد تلاش برای برقراری عدالت در بُعد رابطه انسان با دیگران است که از آن به عدالت اجتماعی یاد می‌شود. این خصیصه از جنبه الهی بودن دولت اسلامی نشأت می‌گیرد. عدالت از جمله مقوله‌هایی است که به عنوان مهم‌ترین وظیفه و رسالت پیامبران مطرح شده است. برقراری نظام عادلانه اجتماعی و برقراری مساوات از طریق ابلاغ و اجرای دقیق احکام الهی و قوانین و تساوی حقوق در قرآن کریم مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. از جمله: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (الحديد،

آیه ۵): به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند. همچنین خطاب به داود(ع) که از نخستین پیامبرانی است که به تشکیل حکومت پرداخته است، می‌خوانیم: «یا داوودُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِی الْاَرْضِ فَاحْكُم بَیْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَاتَتَّبِعِ الْهَوٰی» (ص، آیه ۲۶): ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه و جانشین گردانیدیم پس میان مردم به حق داوری کن و از هوس پیروی مکن. امام خمینی(ره) جهت تبیین هدف اصلی دولت دینی، بر هدف والای انبیا و ائمه معصومین (س) تأکید نموده و می‌فرماید: زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب و زندگی همه انبیاء عالم، از آدم تا خاتم، همه‌شان برای این بوده است که می‌خواستند در مقابل جور، حکومت را درست کنند. برای این بوده است که عدل الهی اقامه شود: یعنی ليقوم الناس بالقسط (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴).

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «لو لم یبق من الدنیا الا یوما لطول الله تعالی ذلک الیوم حتی یبعث الله فیہ رجلا منی - او من اهل بیتی - یواطئ اسمه اسمی، یملاً الأرض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً»: اگر از دنیا به جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای متعال آن روز را چندان طولانی می‌کند تا در آن روز مردی از اهل بیت من مبعوث شود، او هم‌نام من است و زمین را پس از آنکه پر از ظلم و جور شده، پر از قسط و عدل می‌کند (الإربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۷۶).

حضرت علی(ع) نیز در اثر ارزشمند نهج‌البلاغه، اجرای عدالت و برقراری قسط و ایجاد مساوات در جامعه را مورد توجه قرار می‌دهند و اجرای عدالت را عامل ایجاد وحدت، الفت و محبت بین حاکم و مردم، صلح و سعادت، ثبات و دوام حکومت و جامعه، و پیشرفت و آبادی کشور می‌دانند. ایشان در اهمیت عدالت می‌فرمایند: «در عدالت گشایش است و آنکه عدالت را برنتابد ستم را سخت‌تر می‌یابد.» امام خمینی(ره) بسط و گسترش عدالت اجتماعی را از مهم‌ترین شاخص‌های دولت اسلامی دانسته و در راستای اهمیت و جایگاه عدالت در حکومت می‌فرماید: «ما یک حکومت عدل می‌خواهیم، حکومت عدل اسلامی می‌خواهیم...» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۹۱).

و به همین جهت است که برقراری عدالت - به عنوان والاترین آرمان بزرگ انسانی - در وصیت نامه ایشان، به این اندازه مورد تأکید قرار گرفته است.

## ۲- ۵ محرومیت‌زدایی و حمایت از مستضعفان

محرومیت‌زدایی و حمایت از مستضعفان توجه امام را به خود معطوف داشته است: «من به همه اقشار ملت، به تمام عرض می‌کنم که در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیرغنی، اشخاص سفید و سیاه، اشخاص [و] گروه‌های مختلف، سنی و شیعه، عرب و عجم، و ترک و غیرترک... ندارند. قرآن کریم امتیاز را به عدالت و به تقوا دانسته است. کسی که تقوا دارد، امتیاز دارد. کسی که روحیات خوب دارد، امتیاز دارد. اما امتیاز به مادیات نیست. امتیاز به دارایی‌ها نیست. باید این امتیازات از بین برود و... حقوق تمام اقشار به آن‌ها داده می‌شود» (همان، ج ۶، ص ۴۶۱).



بدون تردید، تأمین رفاه اقتصادی و سامان بخشیدن به وضع معیشتی مردم، زمینه و بستر مناسبی برای رسیدن به اهداف انسانی، الهی و تکامل معنوی است. چرا که با وجود فقر و نیاز مادی فرصت و توانی برای اندیشیدن به مفاهیم برتر و تکامل و سازندگی باقی نمی‌ماند. توزیع برابر ثروت‌ها و فرصت‌های درآمدخیز و برخورداری از بیت‌المال به‌طور مساوی، شرط لازم برای برقراری عدالت اجتماعی است. لکن باید توجه داشت که مقتضای عدالت اقتصادی آن نیست که حقوق و دستمزد و درآمد اقتصادی تک تک افراد جامعه نیز همانند سهم عمومی آنها از بیت‌المال، مساوی و یکسان باشد. لازمه تحقق عدالت در این مرحله، متفاوت بودن بهره‌مندی آنان از منابع و امکانات جامعه به تناسب تلاش و تأثیرگذاری آنان است. از این رو نظام عدل اسلامی در عین تلاش برای توسعه شرایط تکامل به نحو مساوی و فراگیر، به دستاوردهای اقتصادی افراد که بر پایه خلاقیت و پشتکار خودشان فراهم آمده و در واقع محصول کارآیی اختصاصی آنهاست، به دیده احترام نگریسته و درآمدها و سرمایه‌های مشروع آنان را محترم می‌شمارد (پرور، ۱۳۸۲، ص ۱۲۶).

امام خمینی (ره)، این مطلب را مورد تأکید قرار داده و می‌فرماید: «اقتصاد ما باید متحول بشود. اقتصاد وابسته، به اقتصاد مستقل متبدل بشود. تمام چیزهایی که در حکومت طاغوت بود و به تبع اجانب در این مملکت ضعیف، در این مملکت زبردست پیاده شده بود با استقرار حکومت اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی تمام این‌ها باید زیر و رو بشود و باید مردم خودشان را اصلاح بکنند و باید اشخاصی که ظالم هستند و به زبردست‌ها ظلم کردند، باید آنها دیگر ظلم نکنند. طبقات مختلف به طبقات پایین ظلم نکنند. باید حق فقرا، حق مستمندان داده بشود. تمام این‌ها در جمهوری اسلامی باید عمل بشود... باید مستضعفین را حمایت بکنند. باید مستضعفین تقویت بشوند، زیر و رو بشوند. مستکبر باید مستضعف بشود و مستضعف باید مستکبر بشود، نه مستکبر به آن معنی، بلکه همه باید با هم برادروار در این دنیا در این مملکت همه با هم باشند... قرآن کریم امتیاز را به عدالت و به تقوا دانسته است... امتیاز به مادیات نیست، امتیاز به دارایی‌ها نیست. باید این امتیازات از بین برود» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۶۶۰-۶۶۱). همه مردم مساوی هستند. الان ما در ایران بسیاری از مستمندان داریم، بسیاری اشخاص داریم که در این قضایا از هستی ساقط شدند، باید اشخاصی که دارا هستند به آنها کمک کنند و به مستمندان یک زندگی مرفه بدهند. دولت باید به فکر این‌ها باشد. ملت باید به فکر این‌ها باشد (همان، ج ۶، ص ۶۶۴).

### ۳-۵ توصیه‌های عملی امام خمینی

– «امید آن است که رسیدگی به حال مستضعفین و مستمندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم را در بر می‌گیرد، در رأس برنامه‌ها قرار گیرد و در نخستین مجلس شورای اسلامی، طرح‌هایی جدی در رفاه حال این طبقه محروم داده شود و از طرف دولت منتخب شما بدون مسامحه به مورد اجرا گذاشته شود تا در پیشگاه خداوند متعال، بعضی از دیون خودتان را به این طبقه عزیز که جان خود را برای اسلام و آزادی و استقلال کشور در طبق اخلاص گذاشته و پیروزی را برای انقلاب اسلامی به ارمغان آوردند، ادا کرده باشید» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۶۲).

- «در ادارات دولتی، قوانین دست‌وپاگیری که در مجالس غیرقانونی رژیم سابق به تصویب رسیده و موجب تعویق و یا تعطیل امور شده و می‌شود و جامعه را به تنگ آورده است، به طور انقلابی لغو کنید - گرچه خود لغو است - و به جای آن‌ها قوانین مترقی را که رفاه ملت در آن‌ها به بهترین وجه ملاحظه شده باشد، جایگزین گردانید» (همان، ص ۳۶۴).

- «طرح‌ها و پیشنهادهایی که مربوط به عمران و رفاه حال ملت خصوصاً مستضعفین است، انقلابی و با سرعت تصویب کنید و از نکته‌سنجی‌ها و تغییر عبارات غیر لازم که موجب تعویق امر است، اجتناب کنید» (همان).

- «از وزارتخانه‌ها و مأموران اجرا بخواهید که از کاغذبازی‌ها و غلط‌کاری‌های زمان طاغوت اجتناب کنند و رفاه ملت مظلوم و عقب‌افتادگی‌های آن‌ها را به طور ضربتی تحصیل و ترمیم کنند» (همان).

- «مجلس جمهوری اسلامی همان‌سان که در خدمت مسلمین است و برای رفاه آنان فعالیت می‌نماید، برای رفاه و آسایش اقلیت‌های مذهبی که در اسلام احترام خاصی دارند و از قشرهای محترم کشور هستند، اقدام و فعالیت می‌نماید» (همان).

Archive of SID

### جمع بندی

با توجه به آنچه در مقاله گفته شد، حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) حکومت قانون الهی است. مهم‌ترین شاخص‌های دولت دینی از منظر امام خمینی (ره) عبارت است از الهی بودن، استقلال و عدم وابستگی، آزادی، مردمی بودن (تعهد، اطاعت، نظارت) و عدالت. بنیانگذار فرزانه انقلاب اسلامی با تأکید بر لزوم برقراری اصل عدالت و برابری - به عنوان والاترین آرمان انسانی - احیاء تفکر عدالت‌خواهی، محرومیت‌زدایی و حمایت از مستضعفان را مؤثرترین راهکارها در جهت ایجاد و برقراری اصل عدالت و برابری در جامعه می‌دانند.

عدم پذیرش شکاف شدید طبقاتی و توجه به محرومین و مستضعفین به عنوان محورهای اساسی در اندیشه‌های معمار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) در زمینه عدالت می‌تواند مبنایی برای تدوین منطقی و منسجم یک نظریه عدالت را فراهم آورد. نظریه‌ای که در هر صورت متمایز از انواع غربی و شرقی آن است و می‌تواند جایگاه خاص خود را در بین نظریه‌های عدالت مشخص سازد و مهم‌تر این‌که مبنای حرکت، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی قرار گیرد.

Archive of SID

### فهرست منابع

۱. آشوری، داریوش، (۱۳۷۳) *دانشنامه سیاسی*، تهران، نشر مروارید.
۲. الإربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق.) *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، ج ۲، تبریز، انتشارات مکتبه بنی هاشمی.
۳. پرور، اسماعیل، (۱۳۸۲) *گلبانگ عدالت*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. حسینی، محمد حسن، (۱۳۷۷) *نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی*، تهران، نشر عروج.
۵. خالقی، علی، (۱۳۷۹) *امام خمینی و گفتمان غرب*، تهران، انجمن معارف اسلامی.
۶. خمینی (امام)، روح الله، (۱۳۷۳) *قیام عاشورا*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. خمینی (امام)، روح الله، (۱۳۷۲) *کلمات قصار*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. خمینی (امام)، روح الله، (۱۳۷۳) *ولایت فقیه: حکومت اسلامی*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. *صحیفه امام*، (۱۳۸۵)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. علی بابایی، غلامرضا، (۱۳۸۲) *فرهنگ سیاسی آرش*، تهران، نشر آشیان.
۱۱. *قرآن کریم*، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ ششم (۱۳۸۵) قم، دارالقرآن الکریم.
۱۲. موسوی خلخالی، محمد مهدی، (۱۳۶۱) *حاکمیت در اسلام*، تهران، نشر آفاق.
۱۳. میرسندسی، محمد، (۱۳۸۱) *گفتارهایی در اندیشه اجتماعی امام خمینی*، تهران، دانشگاه امام حسین.
۱۴. نوایی، علی اکبر، (۱۳۸۱) *نظریه دولت دینی*، تهران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها: دفتر نشر معارف.
۱۵. *نهج البلاغه*، (۱۳۷۰) ترجمه اسدالله مبشری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.